



شماره ۳۸

- ۱- مناجات بهلسان جان محبوب امکان رانداکن
- ۲- آثار مبارکه امید از الطاف بی پایان الهی
- ۳- کلمات مکنونه ای پسر هوی تاکی د رهوای نفسانی
- ۴- تاریخ عصر تکوین (پس از صعود حضرت ولی امرالله)
- ۵- اصول اعتقادات عالم امر
- ۶- حیوة بهائی غم و شادی و نقش سرور در صحت
- ۷- مبادی اداری مؤسسه ایادی امرالله
- ۸- معرّنی آثار مبارکه آثار حضرت ولی امرالله (ترجمه آیات الهیه)
- ۹- راهنمای زندگی انتخاب بهترین هاطبق موازین الهیه
- ۱۰- زبان عربی

مناجات

به لسان جان محبوب امکان را ندان و بگو ای خدای من و
 مَالِكِ مِنْ وَدُوسْتِ مَنْ وَمَحْبُوبِ جَانِ وَرَوَانِ مِنْ ، چگونه از عهدۀ
 شُكْرَتُو بَرَأَيْمِ د ربحر غفلت و نادانی مُسْتَفْرَقِ بُوْدِم لسانِ فَضْلَتِ
 مرا ندا نمود وید عنایتت مرا اَخْذِ كَرْدِ ای پروردگار من، غفلت من
 بمقامی رسید که مرا از فُرَاتِ عَذَابِ یَقِینِ محروم ساخت و بماءِ صَدِیدِ
 ظُنُونِ راه نمود از ذکرت غافل شدم و تو از من غافل نشدی از
 حُبَّتِ مَحْمُودِ بُوْدِم و نار عنایتت تو مشتعل بگدام وجه بتو توجّه
 نمایم و به چه لسان تو را بخوانم خجلت و انفعال مرا فرو گرفته
 و از جمیع جهات مایوس ساخته و لکن ای پروردگار من و مقصود من و
 مولای من شنیدهام که فرموده ای امروز روزیست که اگر یکبار نفسی
 از رویِ صِدْقِ "رَبِّ اَرِنِی" گوید از ملکوتِ بیان، "اَنْظُرْ تَرَانِی" استماع
 نماید و از این کلمه مبارکه عالیه مقام امروز معلوم و واضح است
 و همچنین فرموده ای اگر نفسی از اوّل لَأوّل، از جمیع اعمال
 حَسَنه محروم مانده باشد، اَلْیَوْمِ تَدَارِكُ آن ممکن است چه کسه
 در بای غفران در امکان ظاهر و آسمان بخشش مرتفع، سِوَالِ
 میکنم از تو به حُومَتِ این روز مبارک که مَصْدَرِ مَطْلَعِ ایام است،
 مرا به رضای خود موفق بداری و به طراز قبول، مَزِینِ نَمَائِی اَی رَبِّ
 اَنَا الْمَسْكِينُ وَعِنْدَكَ بَحْرُ الْفَنَاءِ وَاَنَا الْجَاهِلُ وَعِنْدَكَ كُنُوزُ الْعِلْمِ
 وَالْعِرْفَانِ وَاَنَا الْبَعِيدُ وَاَنْتَ اَنْتَ الْمُقْتَدِرُ الْمُتَعَالِي الْقَرِيبُ.

حضرت عبدالبهاء میفرمایند :

"... امید از الطاف بی پایان الهی چنانست که روح شما غلبه بر نفس نماید تا نفوستان نفوس قدسیه شود تا کمالات آسمانی در تمام ظاهر شود . پرتو شمس حقیقت در شما طلوع کند در انجمن عالم به رفتار و گفتاری مبعوث شوید که شمع این عالم گردد . نمی بینید جمیع بشر مشغول بعالم ناسوتند ابداً" در فکر تهذیب اخلاق به فیض لاهوت نیستند . ابداً" در فکر اکتساب کمالات عالم انسانی نیستند بلکه مانند حیوانات، مَثَبَمِک در عالم شَهَوَات هستند که بخورند و بنوشند و وسعت معیشت پیدا کنند بعینه مثل حیوان . معلومست انسان باید در فکر معیشت باشد . اما نه اینکه نکسرش محصور در معیشت تنها باشد . باید فکرش بلند باشد . و بفکر آن باشد که مظهر موهبت الهی باشد . اکتساب کمالات معنوی کند . و به اخلاق آسمانی میانه خلق ظاهر شود . تا شخص ملکوتی گردد و الا ناسوتیست آیامی چند مثل حیوان در این زمین گذران میکند و آخر میرود .

من از برای شما عالم دیگر میخواهم . من میخواهم شماها روح مجسم شوید تا سبب حیات عالم انسانی گردید ."

خطابات اروپا ص ۱۶۹

کلمات مکنونه ای پسر هوی

تاکی در هوای نفسانی طَیْران نمائی آپر عنایت فرمودم تا در هوای قدس معانی پرواز کنی نه در فزای و هُم شیطانی . شانه مرحمت فرمودم تا گیسوی مُشکینم شانه نمائی نه گلویم بخراشی .
طَیْران : پرواز کردن

حضرت عبدالبهاء در معنی پرورشانه در لوحی چنین میفرمایند :
و اما پرورشانه که در زکلمه مبارکه مکنونه مذکور، آن میثاق الهی است این عهد و میثاق از برای آن گرفته شده که وفای عبدالبهاء نمایند نه اینکه گلوئی مبارک یعنی امر مبارک را بخراشند ولی بکلی چشم از انصاف بسته بنهایت جفا و اعتساف پدید آید .

* * * * *

تاریخ عصرتکونین (پس از صعود حضرت ولی امرالله)

خدمات مؤسسه ایادی امرالله در زمان هیکل مبارک و پس از صعود

آن حضرت

چنانکه ذکر شد اولین دسته ایادی امرالله که تعداد شان ۱۲ نفر بود، در تاریخ ۲۴ دسامبر ۱۹۵۱ باین سمت تعیین گشتند .
دومین گروه تعداد شان ۷ نفر بود که در نوبه سال ۱۹۵۲ یعنی سال قبل از شروع نقشه ده ساله انتخاب گردیدند .
وبالآخره سومین گروه که تعداد شان ۸ نفر بود در رست یکماه قبل از صعود مبارک در تاریخ اکتبر ۱۹۵۲ تعیین گردیدند .

د رزمان هیکل مبارک هریک از ایشان بد ستور حضرت ولیّ الهی
 امرالله بفعالیّت و خدمات معینّه خود د رزمینه حفظ و صیانت و
 تبلیغ امرالله مشغول بودند و اغلب بسمت نمایندۀ هیکل مبارک
 د رکنفرانسهای بین القارات شرکت می فرمودند تا اینکه صعود ،
 هیکل مبارک د ر ۴ نوامبر ۱۹۵۷ واقع شد .
 طوفانی که بر اثر این مصیبت ناگهانی جامعه بهائی را د ر
 خود فرو گرفت ، بسیار شدید بود و کشتی امرالله د رنگاه اول د ر
 این د ریای متلاطم بدون ناخدا و بی سرپرست بنظر می آمد . اما
 از آن جهت که مولای محبوب اهل بها د ر آخرین پیام خود -
 مَوْخِ اکتبر ۱۹۵۷ اختیار حفاظت جامعه جهانی بهائی را د ر
 اقتدار " حارسان مدنیّت جهانی حضرت بها ء الله ، که د ر مرحله
 جنینی " است و عبارت د یگر به " مَوْسَسَه عظیم الشان ایادی امرالله "
 سپرده بودند ، د ر این طوفان امتحان ، " صاحب منصبان عالی رتبه
 نظم سریع التکامل اداری جهانی " یعنی ایادیان عزیز امرالله
 گرد هم آمدند و با احساس مسوولیت شدیدی که حضرت ولیّ امر الله
 (بر اساس تعالیم حضرت عبدالبها ء د ر الواح و صایله) بر عهدۀ آنها ،
 د ر زمینه صیانت و تبلیغ امرالله نهادۀ بودند ، رهبری این کشتی
 طوفان زده را موقتاً " بعهدۀ گرفته ود ر نهایت کفایت و درایت و
 هوشیاری ، آنرا بسوی مقصد والا ئی که مولای توانا حضرت ولیّ امر الله
 تعیین فرموده ود ر نقشه د هساله جهاد کبیرا کبر خطّ مشی

عالم بهائی را به وضوح و روشنی معین فرموده بود ند ، هدایت
 کردند . و به ساحل نجات یعنی تأسیس بیت العدل اعظم الهی
 رساندند .

اینک ترجمه قسمتهائی از ابلاغیه حضرات ایادی امرالله د ر این
 مورد د رج میگرد د :

یاران عزیز هنوز نه روز از استقرار عرش اطهر ولی امرالله
 حضرت شوقی د ر اندن نگذشته بود که ما بیست و شش نفر از ایادی
 امرالله با بسمت (حارسان مدنیّت جهانی حضرت بها ء الله که د ر
 مرحله جنینی است) د ر مرکز جهانی امرالله اجتماع نموده تا
 د ر باره اسف انگیزترین وضعی که از حین صعود حضرت عبدالبها ء
 اهل بها ء بدان مواجه گشته اند بمشاووه پرداخته و برای حفظ
 مصالح عالیّه امرالله کلیه تدابیر لازم و مناسب را اتخاذ نمائیم . د ر
 هیجد هم نوامبر ، ایادی امرالله د ر بهجی محفلی د رحرم اقدس
 د ر حول مقدّس ترین مقام عالم بهائی بنام مبارک منعقد ساخته
 و سپس بروضه مبارکه داخل ود ر نهایت خضوع و انکسار بآستان
 مقدّس ساجد گشتیم د ر صبح یوم بعد یعنی نوزدهم نوامبر نه
 نفر از ایادی امرالله منتخب از ایادی مقیم ارض اقدس و چند قاره
 از قارات شرق و غرب د ر معیّت حضرت امّالبها ء روحیه خانم
 مهرهای صندوق آهنین و میز تحریر حضرت ولی امرالله را برداشته
 و محتویات ثمنیه آنرا بکمال دقت رسیدگی کردند و سپس این عده

بسیار ایادی مجتمعه در روضه مبارکه در بهجی ملحق گردیده و مُتَّفَقاً تصدیق نمودند که حضرت شوقی افندی وصیت نامه‌ای از خود بجای نگذاشته‌اند و همچنین تصدیق نمودند که حضرت ولی امرالله اولادی از خود باقی نگذاشته‌اند. اَعْمَانِ عَمُوماً یا فوت نموده و یا بعالت بیوفائی و عدم اعتقاد بالواح وصایای حضرت مولی الوری و ابراز کینه و عداوت نسبت به شخصی که بعنوان اولین ولی امرالله در آن سند مقدس تعیین و تسمیه گردیده، از طرف حضرت ولی امرالله ناقضین عهد و میثاق، معرفی شده‌اند. اولین اثر درک این حقیقت که تعیین جانشین برای حضرت شوقی افندی مقدور نبوده است، (۱) ایادی امرالله رابو^{طه} نامیدی افکند. حال که راهنما و الهام دهنده و طراح مجهول^ت احبای الهی در جمیع اقالیم و جزایر پراکنده در دریاها، دیگران قادر بانجام مأموریت ممتاز خود نخواهد بود، بر جامعه پیروان جان نثارش چه خواهد گذشت؟ با این وصف چون از این ورطه تاریک به حیات حضرت ولی امرالله که بتمامه مصروف فداکاری و

(۱) معهد اعلی نیز در دستخط مؤرخ ۱۶ اکتبر ۱۹۶۳ همیسن مطلب را تصریح فرموده‌اند :

"... طریق تعیین ولی ثانی امر بهائی، وصی حضرت شوقی افندی ربانی بکلی مسدود و امکان تشریح قوانینی که تعیین من هُو بَعْدَهُ را میسر سازد، بِالْمَرَّةِ مَفْقُود است. این قرار را به جمیع یاران ابلاغ نمائید. بیت العدل اعظم"

خدمات بی نظیر گشته تَمَعَّن نمودیم، رفته رفته قلب حزین، تسلی یافت. ما خود میدانستیم که حضرت شوقی افندی اولین شخصی بودند که ایادی و جمیع احبای متفرق در عالم را متذکرید اشتند که ظهور حضرت بهاءالله قوی و ذخائر ایمانی نوع بشر را چنان بحرکت آورده که بِالْمَالِ وحدت ملل و اقوام و نصرت نظم جهان - آرای الهی را متحقق خواهد ساخت. در پرتو این استنباط جمع ایادی باکمال امتنان و شکرانه بمواهب لاثمائی که حضرت شوقی افندی باهل بها ارزانی داشته و چون میراث مرغوب جهت آنان باقی گذاشته‌اند متوجه گردیدند.

آیا مرکز جهانی امرالله با اعتبار مقدسه و موسساتش بکمال زَوانت تأسیس نگردیده؟ آیا امراللهی در ۲۵۴ مملکت از ممالک مستقله و اقالیم تابعه مستقر نگشته؟ و آیا محافل ملیه و ناحیه‌ای که طایفه بیت العدل عمومی محسوب‌اند در ریاست و شش منطقه از مناطق عظیم قارات عالم بر اساس متین استوار نگردیده؟ آیا حضرت ولی امرالله قطع نظر از ترجمه‌های بی نظیری که از آثار مقدسه امریه برای یاران انگلیسی‌دان باقی گذاشته‌اند، شاهکارهای گرانبهائی در تبیین و تشریح آیات الهی که معرفت بنای رفیع البنیان نظم سریع التکامل الهی و جامعه جهانی بهائی است بجهت مابه و دیعه نگذاشته‌اند؟ و آیا حضرت ولی امرالله بر اساس رزین الواح مبارکه حضرت مؤلی الوری معروف به نقشسه

ملکوتی، نقشهٔ جهاد جهانی را برای ما طرح نفرمودند که مساعی و مجهودات ما را تا سال ۱۹۶۳ رهبری و هدایت نماید؛ وبعلاوه آیا حضرت ولی امرالله با بصیرت معنوی که بحوائج حال و استقبال جامعه بهائی داشته‌اند، هیئت بین المللی بهائی و جمع بیست و هفت نفری ایدی با هیئت های معاونت آنان را بوجوئ نیارده‌اند؟

و در آخرین ابلاغیهٔ مبارک خطاب با اهل بهاء ایدی را (حارسان مدنیّت جهانی حضرت بهاء الله که در مرحله جنینی است) معین نفرموده‌اند؟ اینگونه انکار با توجه به پیش آمد جانگداز عمومی که در طی این ماه اهل بهاء به آن مبتلی گشته‌اند این موضوع را آشکار ساخته است که حضرت شوقی افندی با تعیین ایدی - امرالله و همچنین انتخاب هیئت بین المللی بهائی یعنی مؤسسه‌ایکه باید مآلاً بد بیت العدل عمومی تبدیل یابد، اساس نظم بدیع جهان آرای حضرت بهاء الله را بکمال ایتقان پایه گذاری نموده‌اند، ما ایدی امرالله بعنوان "حارسان مدنیّت جهانی حضرت بهاء الله که در مرحله جنینی است" یک هیئت نه نفری از ایدی را تعیین نموده‌ایم که در مرکز جهانی امرالله بانجام خدمت مشغول باشند این هیئت نه نفری ایدی موظفند که از هر نقطه که امرالله مورد حملهٔ اعدای داخل و خارج جامعه جهانی بهائی واقع شود و ایدی امرالله در ناحیهٔ مربوطه بخود یا محافل ملی و ناحیه‌ای راپرت نمایند و یا اینکه وقوع آن در ارض اقدس باشد

بکمال قدرت وجدیّت بحمايت و حراست امرالله قیام نمایند همین هیئت در مورد مسائل مربوطه با اجرای اهداف نقشه دهساله نیز با محافل ملیّه مکاتبه خواهد نمود و نسبت بموضوعات مربوطه بمسائل اداری با استناد بنصوص مقدّسه در آثار امری که هادی محافل، در یافتن راه حلّ صحیح است محافل ملیّه را مساعدت و معاضدت خواهد کرد .

اما راجع به هیئت بین المللی بهائی که از طرف حضرت ولسی امرالله تعیین و در توفیق مبارک خطاب بعالم بهائی بان بشارت داده شده، این هیئت بصورت ایام عاقبت با تشکیل بیت العدل عمومی، آن هیئت عالیهای که بنفرموده حضرت مولی الوری در الواح وصایا بموهبت "مصونیت از خطا" مخصّص و به بیان " جَعَلَهُ اللّهُ مَصْدَرًا لِّكُلِّ خَيْرٍ وَمَصُونًا مِنْ كُلِّ خَطَا " مخاطب گردیده مقصد و هدف خویش را بمرحله تحقق خواهد رسانید . . .

. . . ایدی امرالله با تصمیم با اجرای کلیه نوایا و امیال حضرت ولی امرالله، از محافل مقدّسه دعوت مینمایند که بانعقاد کنفرانسها بین القارات بطوریکه از طرف حضرتش برای سال ۱۹۵۸ طرح ریزی گردیده اقدام نمایند و هر یک از آنها را مرکز محور تصمیمات خود قرار دهند و از این راه وظائف مربوطه بمرحله بعدی جهاد روحانی را بانجام و اتمام رسانند. بعلاوه شایسته است وظائف دیگری را که در نقشه دهساله پیش بینی شده و باید تا سال

۱۹۶۳ تحقق یابد همواره در مد نظر داشته باشیم ضمناً بدعوت نه نغرایادی مقیم مرکز جهانی امرالهی، کلیه ایادی امرالله مجتمع گشته و تصمیم خواهند گرفت که چه موقع و به چه کیفیت "هیئت بین المللی بهائی" مدارج تکامل خود را که از طرف حضرت ولی امرالله مشخص گردیده طی نموده و منجر بدعوت برای انتخاب بیت العدل عمومی بوسیله کلیه محافل روحانیّه ملیّه گردد. همینکه این هیئت منصوص الیهی بوجود آمد کلیه اوضاع و احوال امر به مجدداً تحت مطالعه و تدقیق قرار گرفته و با مشورت ایادی امرالله تدابیر لازمه جهت اقدامات آتی اتخاذ خواهد گردید. . . . مؤسسه ایادی امرالله ص ۸۹ تا ۹۶ شورای بین المللی بهائی (انتخابی)

از نوایای مقدسه حضرت ولی محبوب امرالله تبدیل شورای بین المللی بهائی از انتصابی به انتخابی بود که این امر در سال ۱۹۶۱ میلادی مُحَقَّق گردید. در پیام هیئت مُجَلَّلَه ایادی امرالله خطاب با حبابی شرق و غرب^(۱) در خصوص لزوم چنین تحوکی آمده است:

"... یکی از وقایع مهمه که در رضوان آینده بوقوع خواهد پیوست انتخاب شورای بین المللی بوسیله محافل مقدسه روحانیّه ملیّه در عالم بهائی است و اهل بها برای اولین بار در تاریخ امر مبارک شاهد و ناظر انتخابی جهانی خواهند بود و قلوب یاران

(۱) ترجمه قسمتی از پیام مورخ ۲ نوامبر ۱۹۶۰

بیانات مقدسه مولای توانا را که در حین انتصاب اولین شورای بین المللی بهائی صادر شد منعکس خواهد نمود و با سرور و خوبی بی انتهی و شکر و ثنا باستان مقدس خداوند بی همتا این واقعه تاریخی را استقبال خواهند فرمود. شورای انتصابی بفرموده مبارک مهمترین مرحله در سیر تکامل نظم اداری بعد از صعود حضرت عبدالبهاء است و طبق نقشه حضرت ولی امرالله بایستی به هیئتی انتخابی تبدیل یابد این شورای منتخب هیئتی است بین المللی و مرکز آن در ارض اقدس خواهد بود و علاوه بر وظایفی که (۱) سال قبل بیان گردیده برخی از تکالیف اداری دیگر نیز برای تسهیل رسیدگی بامور محافل ملیّه در مرکز جهانی بانان واگذار خواهد شد جای آنست که احباب عزیز الیهی در این نکته مهمه تأمل تام فرمایند که هرچند وصول بمرحله شورای انتخابی قدمی است بسیار مهم ولی هرگز نباید آنرا بامؤسسه بیت العدل اعظم که در ظل حفظ و حراست جمال اقدس الیهی و عصمت فایضه از طلعت اعلی و ادارای وظائف معینّه منصوصه در کتاب الله است مقایسه نمود. . . . مؤسسه ایادی امرالله ص ۲۱۴

و پس از انجام ترتیبات لازمه هیئت مجله ایادی امرالله در ارض اقدس علیهم بهاء الله تشکیل شورای جدید را طی تلگراف ۲۶ آپریل ۱۹۶۱ به جامعه بهائی ابلاغ فرمودند:

(۱) اهم این وظائف در جزوه ۳۷ درج گردیده است.

"... اکنون که بتأییدات متابعه حضرت بهاء‌الله جامعه جهانی بهائی توانسته است در پایان سال هشتم جهاد کبیر روحانی، "شورای بین‌المللی بهائی" را بجانشینی نخستین شورای تاریخی انتصابی حضرت ولی امرالله انتخاب نماید مراتب شکر و سپاس خود را بساحت مقدس قلبا تقدیم میداریم."

ارکان نظم بدیع ص ۲۵۱

قسمتهائی از ترجمه پیام مجمع سالیانه ایادی امرالله رسال ۱۸

بدیع

دوستان بسیار عزیز جامعه اسم اعظم در شرق و غرب و شمال و جنوب عالم میتوانند بانهایت شکرگزاری و امتنان بفتوحات باهره سال گذشته نظر انداخته از آن قوتی جدید و شوقی بدیعی یابند و با تصمیمی خلل ناپذیر متحدان "متفقاً" آخرین قیام عاشقانه را بنمایند که جهاد کبیر اکبر روحانی جهانی را در سنه ۶۳ با کلیل جلیل فتح نهائی قطعی، مکمل ساخته جشن اعظم صد ساله اظهارا مرعلنی جمال قدم را بریادارند...

عصر تکوین پس از گذشتن یک عقد مملو از اثمار بدیعه وارد مرحله نهائی خود شده و شورای بین‌المللی انتصابی به شورای انتخابی تبدیل گشت جمیع محافل ملیه و ناحیه‌ای در انتخاب این شورا شرکت نمودند و این هیئت است که سرانجام به بیت العدل اعظم منتهی میگردد... اکنون بمرحله‌ای رسیده‌ایم که

میتوانیم مراحل بقیه را کاملاً و واضحاً در نظر آورده و بیوموعود ظهور سفینه‌الله را قریب الوقوع بدانیم و این همان سفینه‌ایست که حضرت بهاء‌الله در لوح کرم‌ل بدن اشاره و حضرت ولی امرالله چنین بیان فرموده اند که "راکبانش رجال بیت عدل اعظم که بر طبق وصایای مُتَقَنَّهُ مرکز عهد اتم و اقوم مصدر تشریح احکام غیر منصوصه‌اند و این احکام در این دور بدیعی از این جبل مقدس جریا یابد، همچنانکه در عهد حضرت کلیم شریعه‌الله از صهیون جاری و ساری گشت" حُرّاس امرالهی دعوت بانعقاد کانونش بین‌المللی در ارض اقدس خواهند نمود که انتخاب بیت العدل اعظم در آن انجام پذیرد و این مؤتمرد رایام اول و دوم و سوم رضوان ۶۳ انعقاد خواهد یافت."

مؤسسه ایادی امرالله ص ۲۵۹ و ۲۷۸

* * * * *

اصول اعتقادات

بعضی از براهین مظهریت

مقدمه لازم است بدانیم که دلیل وبرهان باید بانفس ادعا مربوط و متناسب باشد. ادعای مظاهر مقدسه اینست که من جانب الله‌اند و با آوردن دین یا شریعت جدید، مأمور اخیاء عالم وجود و راهنمایی مردم به راه درست و روش صحیح زندگی میباشند. لذا معجزه آنها تقلیب نفوس بوسیله آیات بوده است. پس نباید (مثل بعضی از پیشینیان) از مظاهر امر انتظار معجزاتی را داشت

که به کار تربیتی آنها مربوط نمیشود .

آیات (بمعنی نشانه‌ها) اصطلاحاً "وَحَى نازل از سما" مشیت است که بدون فکر و تلاش بلکه نظراً بر لسان یا قلم مظهر امر جاری میگردد و غالباً "حاوی فرامین و یا تبیینات و تعلیماتی در موارد زیر میباشد .

رابطه^(۱) فرد با خالق خویش (عرفان مظهر امر، محبت الله و عبادت و عمل به احکام و تعالیم و استقامت بر امر) .

رابطه فرد با خلق جهان . (از قبیل مراعات شرایط زیست و استفاده صحیح از خاک و آب و محبت بمظاهر حیات از جمادات ، نبات ، حیوان و انسان) .

رابطه فرد با خودش (از قبیل شناسائی مقام انسان و حفظ بهداشت جسمی و روانی و سعی در ارتقاء علمی و روحانی خود)

مظهر امر با احاطه کلیه نسبت بروابط حیاتی و ضروری کائنات باید یگر، روش صحیح زندگی را بصورت احکام و تعالیم که به آن شریعت الهی یا مدینه الهی گفته میشود ، ارائه میدهد . چنانکه حضرت عبدالبهاء میفرماید : "شریعت روابط ضروریه ای است که مُنبِغِث از حقیقت کائناتست و مظاهر کلیه الهیه چون مطلع باسرار کائناتند لهذا واقف بآن روابط ضروریه و آنرا شریعة الله قرار دهند ."

مفاوضات ص ۱۲۰

همین آیات الهیه که بنام شریعت و در قالب احکام و قوانین و آداب ارائه میشود برهان مظهر امر است^(۱) باقید این نکته اساسی که مِنْ جانب الله است و از جانب شخص او نیست . به این برهان اصطلاحاً آیات کتابی نیز گفته میشود . در قرآن مجید مطالب مدله بر حجیت و کفایت آیات فراوان است . از جمله میفرماید قَوْلُهُ الْكَرِيم :

— "أَوَلَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَى عَلَيْهِمْ" (سوره عنکبوت) ۵۱

— "وَلَنْ كُنْتُمْ فِي رَبِّكُمْ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَ

أَدْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ" (سوره بقره) ۲۳

— "الْم ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِلْمُتَّقِينَ" (سوره بقره) ۲/۱

حضرت نقطه اولی میفرماید : "اثبات قدرت در این آیات — ظاهر میگردد" دلائل سبعة

و همچنین در بشارت به ظهور مَنْ يُظْهِرُهُ اللَّهُ تَنَاهَا شَرْطٌ حَقٌّ آن حضرت را آیات تعیین میفرماید : قوله العزيز :

"او را شناخته به آیات او و احتیاط در عرفان او نکرده که بقصد او

همان در بنا ر محتجب خواهید بود" (نقل از ص ۱۸۶ لوح ابن ذئب)

از حضرت بهاء الله در این زمینه آثار متعددی موجود است از جمله میفرماید :

"میانهُ حَجَجٌ و دلائل ، آیات ، بمنزله شمس است و سِوای آن —

(۲) مفهوم سطر در و م و سوم ص ۱۵۵ ایقان

(۱) با استفاده از جزوه چهارم مجمع تحقیق صفحات ۱ تا ۱۶

بمنزله نجوم و آنست حجت باقیه وبرهان ثابت . . . هرگز
مظهری اکبر از انبیا نبوده و حجتی هم اکبر و اعظم از آیات
مُنزله در ارض ظاهر نشده بلکه اعظم از این حجت حجتی ممکن
نه . . . " ایقان ص ۱۵۸

و در لوح احمد میفرمایند: " قُلْ يَا قَوْمِ اِنَّ تَكْفُرُوا بِهَذِهِ الْآيَاتِ
نَبَاً حُجَّةً اَمْنُم بِاللّٰهِ مِنْ قَبْلِ هَاتُوَايَهَا يَا مَلَاَءَ الْكَانِبِيْنَ "
علاوه بر آیات کتابی که از لحاظ اهمیت، آنرا به شمس تعبیر
فرموده‌اند دلائل عقلی دیگری را نیز در کتاب ایقان (۱) بعنوان
دلیل حَقَانِيَّتِ حضرت اعلیٰ شرح داده‌اند از جمله:
— ایمان آوردن جمعی حدود چهارصد نفر از علما و فضلاء.
— شهادت کثیری از همان علماء در راه امرالله.
— استقامت مظهر امر بر ادعای خود با وجود شدت مخالفت‌ها
و حتی تمنای شهادت.
— قدرت آن حضرت بر تقلیب (۲) نفوس و غلبه و احاطه علمیه او.
— رَدِّ و سَبِّ و لَعْنِ مخالفین و معارضین نسبت بامرالله.
— تحقق نبوات و بشارت.

حضرت عبدالبهاء نیز در یکی از الواح (۳) مبارکه موارد چندی

(۱) صفحه ۱۷۰ بیعد

(۲) دگرگون ساختن و ایجاد خلق جدید که بر اثر خَلَقِيَّتِ کَلِمَةُ اللّٰهِ است

(۳) مندرج در ص ۱۳۷ مکاتیب ج اول

را مرقوم فرموده‌اند که از جمله آنها دلائل عقلی زیر میباشد:
الف — بیان بدیع و سرعت نزول آیات و تأویل مُتَشَابِهَات.
ب — حفظ و بقای جسمانی مظهور حق در بین مخالفین و معارضین
از افراد و دُول مُقَدِّرِه.

ج — پیشرفت سریع و اعتلاء امرالله با وجود مسجونیت دائمی
صاحب امر.

د — ترقی عقول و افکار و پیشرفت علوم و فنون در عصر ایشان.
و نیز در لوح مبارک خطاب به پروفسور فورال، که مشحون از مطالب
استدلالی است در باره مهم‌ترین دلیل حَقَانِيَّتِ مظهر امر که
قوه نفوذ وحی و خَلَقِيَّتِ کَلِمَةُ اللّٰهِ است میفرمایند: "قُوَّةُ ارَادَةُ هَر
پادشاه مستقلی در ایام حیاتش نافذ است و همچنین قوه اراده
هر فیلسوفی در چند نفر از تلامیذ در ایام حیاتش مؤثر است. اما قوه
رُوحِ الْقُدُّسِ که در حقایق انبیا ظاهر و باهر است، قوه اراده
انبیا، بد رجهای، که هزاران سال در یک ملت عظیمه نافذ و تأسیس
خلق جدید مینماید و عالم انسانی را از عالم سابق به عالم دیگر
نقل مینماید. ملاحظه نمائید که چه قوه‌ای است! این قوه خارق
الْعَادَةِ است و برهان کافی بر حقیقت انبیا و حجت بالغه بر قوت
و حی است." خطابات مبارکه در اروپا و آمریکا ص ۲۹

جناب ابوالفضائل نیز در آثار متعدده خویش مطالب استدلالی
را مَطْرَحِ ساخته‌اند مخصوصاً در مقاله "اولی از کتاب نرائد همین

دلیل نفوذ و بقای وحی را به انضمام شرایط لازمه بعنوان دلیل
تقریر مشروحا بیان داشته‌اند .

اما بطور کلی چنانچه مَحَرِّی حقیقت د روصول به مقصد
خویش د ارای انقطاع و خلوص نیت باشد احتیاجی به دلیل و —
برهان نخواهد داشت بلکه خود ظهور و نزول آیات، هادی او
بسوی حقیقت خواهد بود . چنانکه جمالقدم جَلَّ آسَهُ الْأَعْظَمُ
میفرمایند : قوله الأَحَلِّ :

"اگر این عباد خالصاً لِرُوحِ اللَّهِ وَ طَلَباً لِرِضَائِهِ د آیات کتاب
ملاحظه نمایند جمیع آنچه را که میطلبند البته اد راک مینمایند."

ص ۱۳۵ ایقان

و نیز میفرمایند قوله الابهی :

"امروز یوم اللّٰه است و حق بِنَفْسِهِ ظاهر و د را ثبات امرش به غیر
محتاج نبوده و نیست . . ." ص ۱۴ مائده آسمانی ج ۸

و همچنین میفرمایند : "قسم به آفتاب عَزَّ قُدُسِ تجرید که این
ظهور، اعظم از آنست که بدلیل محتاج باشد و یا به برهان، منوط
گردد . قُلْ إِنْ دَلِيلُهُ ظَهْرُهُ وَ حُجَّتُهُ نَفْسُهُ وَ وُجُودُهُ إِثْبَاتُهُ وَ بَرَاهَانُهُ
قِيَامُهُ بَيْنَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ . . ." ص ۲۴ مائده آسمانی جلد ۷

تد اوم هدايات الهیه

خدا با اینکه مُنَزَّه از اشیا است د ر جمیع آنها تَحَلِّی میکند .
فیض وجود را که از مبدأ آنرینش صاد رمیشود میتوان به تابش

روشنائی خورشید بر کائنات مثال زد :

خورشید همه چیز را روشن میدارد و بهره‌ای که از این
روشنائی بزمین میرسد یا جلوه‌ای که نورش د را اشیا میکند
بسته باختلاف شرایط و مراتب اشیا متفاوت میگردد یعنی تابش
نور د ر خاک و سنگ کمتر، د ر آب د ریا بیشتر و د ر آینه تابناک
بِنحوه اش د است . پس هر یک از کائنات بنا به اقتضای وجود خود
حرارت لازمه را از منبع فیض که شمس حقیقت باشد د ریافت مینماید
به عبارت دیگر مقدار کسب فیض از تجلی شمس بسته بمیزان
استعداد است . اقتباس از "مطالعہ معارف امر" ص ۵۶

چنانکه میفرمایند : . . . حقیقت الوهیت، شمس حقیقت تجلی
برآفاق نموده و به جمیع اشیا پرتوی انداخته هر شیئی را از این

فیض بهره‌ای . . ." خطابات عبدالبهاء ج ۱ ص ۲۷
و همچنین میفرمایند : . . . انوار شمس حقیقت بر کل تابید و

نورش یکی است حرارتش یکیست فیضش یکی است و بر جمیع کائنات
تابیده و لکن مراتب کائنات متعدد است استعدادشان متفاوت
است هر یک بقدر استعداد خویش از آفتاب استفاد د ارد سنگ
سیاه پرتوی از آفتاب د ارد اشجار پرتوی از آفتاب د ارد حیوانات
پرتوی از آفتاب د ارد و بحرارت آفتاب تربیت شده . آفتاب یکیست
فیض یکی است ولی نفوس کامله بشریه مثل آینه که شمس به تمام
قوت د را و اشراق نموده و کمالات آفتاب د ر آن ظاهر و آشکار میشود،

حرارت و ضیاء آفتاب در آن هویدا است؛ بتمامه حکایت از آفتاب میکند .

این مَرایا مظاهر مقدسه هستند که از حقیقت الوهیت حکایت میکنند مانند آفتابی که در مِرآت ظاهر است و صورت و مثال آفتاب آسمانی در مَرایا ظاهر است، همین طور صورت و مثال شمس حقیقت در مِرآت حقیقی مظاهر مقدسه ظاهر و آشکار. اینست که حضرت مسیح میگوید "الْأَبُ نَبِي الْإِنِّ ..."

خطابات ج ۲ ص ۱۳۱

باتوجه به نص مبارک فوق و مند رجعات صفحه ۱۲۳ مفاوضات مبارک، در رمی یابیم که مِرآت قلب پاک و مصفای مظهر امر که بانور شمس الوهیت روبرو میگردد، (چنانکه قبلاً نیز گفته شد) دُرست کار آینه را مینماید: نور خورشید را بتمام قوت جذب نموده و بپهریک از کائنات باندازه ای که در رخور شأن و نیاز آنهاست و نیز تا حد ودی که در مقابل آینه قرار میگیرند آن نور را منعکس میسازد جذب نور از خورشید توسط آینه بمنزله، در ریافت و حَی الهی توسط مظهر امر دانسته شده و جذب پرتو خورشید از طریق اشیاء تابناکی مثل آینه در قلوب صافی بعضی نفوس (مثل نبی، وصی، امام، مبین، ولی امر) و یاهیت مَضون از خطا، به حصول الهام از طریق پرتو و حَی تعبیر گردد. است. چنانکه حضرت عبدالبها، انبیاء را به ودسته کُلّی مستقل و

تابع تقسیم فرموده اند. به این مضمون که مظاهر ظهور مانند حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی. هر یک مَتَبَع فیض و آینه شمس حقیقت و مستقل اند و نفوسی مانند سلیمان، داود، اِسعیاء، ارمیا... که در رطل آنها قرار دارند، مطابق تمثیل فوق با داشتن خاصیت جذب و انعکاس نور تابعین ایشان و مَرّوجین شریعة الله محسوب میگردند و هر چند از خود مستقلان نور ندارند ولی مانند اَقمار کسب فیض از شمس حقیقت نموده بسایر نفوس میذول میدارند.

قوله الجلیل: "انبیای مستقله... بدون واسطه، اقتباس فیض از حقیقت الوهیت نمایند... و قسمتی دیگر از انبیا تابعند و مَرّوج... مانند ماه که بذاته لذاته روشن و ساطع نه ولی اقتباس انوار از آفتاب نماید..."

مفاوضات ص ۱۲۳

و نیز باید دانست آنان که مستقل اند از هرگونه سَهو و خطا منزّه و مقدس اند و به خصیصه عصمت کبری (بذاتی) ممتاز و آنان که تابعند، در این ویژگی با مظهر کُلّی شریک نیستند. ولی چون حق، آنان را از خطا حفظ میفرماید، به عصمت موهوبی (یا صفتی) مُتَخَرِّجند.

چنانکه حضرت عبدالبها میفرمایند: قوله الصریح: "بدان که عصمت بر دوقسم است: عصمت ذاتیه مختص بمظهر کُلّی است زیرا عصمت، لزوم ذاتی اوست و لزوم ذاتی، از شیء انفکاک نجوید

... اما عصمت صفاتی، لزوم ذاتی شیء نیست، بلکه پرتو موهبت عصمت است که از شمس حقیقت بر قلوب بتابد و آن نفوس را نصیب و بهره‌ای بخشد. این نفوس هر چند عصمت ذاتی ندارند ولی در تحت حفظ و حمایت و عصمت حقند یعنی حق آنان را حفظ از خطا فرماید. . . . ما حصل کلام اینکه عصمت ذاتیه محصور در مظاهر کلیه و عصمت صفاتی، موهوب هر نفس مقدسه. مثلاً "بیت العدل عمومی اگر بشرائط لازمه یعنی انتخاب جمیع ملت تشکیل شود آن عدل، در تحت عصمت و حمایت حق است. . . این را عصمت موهوب نامند. . ."

مناوَضات ص ۱۲۹

به این ترتیب در می یابیم که وحی مخصوص مظاهر کلی (یا مستقل) بوده و الهام مربوط به نفوس مستفیضه از ایشان است. حضرت عبد البهاء میفرماید:

"أئمة أطهار، مطالع الهام بودند و مظاهر فیض حضرت رحمن. وحی اختصاص به حضرت رسول داشت لهذا کلام ائمه اطهار را کلام الهی نگوییم بلکه به الهام رحمانی دانیم."

مأندة ج ۲ ص ۲۲

عمده پس از صعود مظهر کلی است که وظیفه رهبری نفوس و ترویج و انتشار تعالیم بعهدۀ این مطالع معصوم موهوبی قرار میگیرد و معمولاً دوره استفاضه مومنین از ایشان در تاریخ ادیان متفاوت بوده است. مثلاً در دوره اسلام حدود دو و نیم قرن

یعنی یک پنجم دوران آن شریعت مقدسه را فرا گرفت ولی در این ظهور اعظم که "نخرفرون و اعصار" و "قرن انوار" نامیده شده پس از استفاضه از مظاهر عصمت کبری (که بدانضمام دوران مظهریت) (* مبشر امرالله نزدیک به نیم قرن بطول انجامیده)، دوره کسب فیض از الهامات مراجع معصوم موهوبی از عهد مظهر عبودیت کبری حضرت عبد البهاء آغاز گردید و بعد از آن در طی دوران ولایت عظمای حضرت ولی امرالله ادامه یافت و سپس با تأسیس معهد اعلی که عترت روحانی و اولاد معنوی جمال ابهی محسوبند، امتداد پیدا کرد.

بر مبنای همین عصمت موهوبی است که حضرت سرالو اکرم مرجعیت مصون از خطای معهد اعلی را در الواح وصایای خویش، جزء اصول اعتقادات بهائیان تعیین و تصریح فرموده اند. قوله العزیز: "اساس عقائد اهل بها روحی لهم الفداء".

حضرت رب اعلی مظهر وحدانیت و فردانیت الهیه و مظهر جمال قدم.

حضرت جمال ابهی روحی لا حیایه الثابتن فدا مظهر کلیه الهیه و مطلع حقیقت مقدسه ربانیه و مادون، کل عباد له و کل بامرہ یعملون.

مرجع کل کتاب اقدس

و هر مسأله غیر منسجمه راجع به بیت عدل عمومی. . .

ص ۲۱ الواح وصایا

و بواسطه تشکیل مداوم این مؤسسه مُفَخَّه است که کسب هدایات و الهامات ربّانیه، در رطبی دوربهای همچنان ادامه خواهد داشت.

* * * * *

(*) چنانکه در نصّ صفحه ۲۱ الواح مبارکه و صایا ملاحظه میگردد، اعتقاد اهل بها در مورد حضرت ربّ اعلیٰ علاوه بر مقام مبشّریّت ظهور بهائی، مقام مظهریّت مستقلّه است حضرت ولی امرالله نیز در این باره میفرمایند قوله الجمیل: "در حقیقت، عظمت حضرت باب، نه فقط از آن لحاظ است که من عندالله به تبشیر چنین ظهور منیع میبعوث گشته، بلکه بیشتر از آن جهت است که با قدرت و اختیارات انبیای اولوالعزم ظاهر شده و عصای رسالت مستقله را به نحوی که در هیچیک از ظهورات قبل، سابقه نداشته درید اقتدار گرفته است." دور بهائی ص ۴۲

* * * * *

حیوة بهائی غم و شادی و نقش سرور در صحت

ساده ترین و بارزترین آثار سرور، داشتن چهره گشاده و لبان متبسم است که در برخورد باد یگران اعم از خانواده یا محیط اجتماعی، اولین جلوه محسوس محبت و نشانه صفا و مودت محسوس میگردد و برای آغاز دوستی و گستردن بساط الفت واقعی، کلیدی راهگشا در ارتباط قلوب است.

اما حال صحبت از اینست که نه تنها در برخورد باد یگران، بلکه در حفظ صحت جسمانی خویش و مواظبت روابط خانوادگی، احساس شادی و ابراز سرور دارای تأثیری به سزا می باشد.

ولی دوران زندگی انسان همیشه مملوّ از شادی نیست و گاهی با رنج و اندوه مزوج میگردد. توصیه ادیان الهیه، (که حاوی صحیح ترین دستور العمل ها برای زندگی است) در این زمینه شامل حقایقی از این قبیل می باشد:

"اولاً" در خیلی از موارد این برداشت و طرز تلقی خود ما از مشکلات است که آن موارد را به کمی و کاستی یا عوامل تولید درد و رنج تعبیر می کنیم که معمولاً با مطالعه آثار الهیه به خیلی از آن موارد نادرست تعبیرات خود پی می بریم و مشکلاتمان قاعده بایستی برطرف شوند.

ثانیاً هر چند بمسائل مادی و جسمانی نیز باید توجه نمود و مرکز زندگی را باید گرمی داشت، اما غم و اندوهی که در این رهگذر پیش می آید، چون صرفاً به عوامل مادی و حالات موقت دنیوی مربوط میگردد، آنقدر حائز اهمیت و ارزش نیست که شوون روحانی و شرایط پیرایه معنوی را فدای آن سازیم. بلکه فرد متمسک باید در موارد بلا صابر و متدکّر باشد و مسرت خاطر خود را که بفرموده حضرت ولی امرالله خصیصه های فطری^(۱) و ذاتی است، حتی الامکان از دست ندهد. زیرا

د راین حالت است که شرافت انسانی و مُلُوْهُمَّتِ آدَمِیْ عیان میگردد، حضرت عبد البهاء میفرماید قولها لحکیم :
 د ر اوقات آسایش و راحت و عیش و عشرت و صحت و عافیت و
 فرح و مسرت، هر نفسی مرد میدان است ولی اگر نفسی د ر اوقات
 سختی و مِحْنَت و بلا و رنج و عنا مسرور و شادمان باشد، آن دلیل
 علُوْهُمَّتِ و شرافتِ منزلت اوست". ص ۶۷ بهاء الله و عصر جدید
 بهمین لحاظ احساس و ابراز شادی و انبساط د ر امریهائی
 بسیار مدوح و از جمله شوهونی است که د ر آَمَ الْکِتَابِ د و ریهائی
 مورد تأکید قرار گرفته است. قوله الاحلی :
 "اِنْفِرِحُوا بِفَرَحِ اِسْمِی الْاَعْظَمِ الَّذِیْ بِهِ تَوَلَّیْتِ الْاَنْفِیْدَةَ وَاَنْجَذَتْ
 عَقُولَ الْمُقَرَّبِیْنَ" (کتاب مستطاب اقدس) مضمون بیان مبارک
 اینست که به شادی اسم اعظم من شادی کنید. همان اسم
 اعظم و نام مبارکی که آنفیده و عقول مقربان بخاطر آن مسرور و -
 منجذب گشت.

حضرت بهاء الله همواره احبای الهی را از محزون شدن
 برحذر داشته و اولیاء حق را به نِعَمِ الهیه امید و ارمی سازند .
 قوله الاحلی^(۲) : "یا عبدِ حاضر، دستان الهی الیوم بعنایت و
 شفقتی نائزند که اَقْلَامِ عَالَمٍ وَاَبْحُرِ اَنْ اِزْ اِحْصَاءِ اَنْ عَاجِز. نباید از

(۱) مائده آسمانی جلد ۳ ص ۷ که د ر جزوه ۳۷ معارف عمومی

مندرج است. (۲) آثار قلم اعلیٰ ج ۷ ص ۳۳

حوادث فانیه محزون شوند، آنچه د ر قلب خطور نماید و یا قُوَّة
 خیالیّه آنرا ترتیب دهد، لَدَى اللّٰهِ از برای اولیا موجود و مخلوق
 و حاضر و منتظر، د ر اینصورت حُزْنِ جَائِز نه، سُرور اند رسرور فرح
 اند رفح، بهجت اند ر بهجت، نعمت اند ر نعمت است. . . ."
 ممکن است سایرین محزون و د ر احساس حُزْنِ خود، واقعبا"
 مُحِقِّ باشند ولی اهل بها که به ایمان مقصود عالیمان فائز
 گشته اند، نباید بخود اجازه حُزْنِ و کدورت خاطر دهند. قوله
 العظیم :

" . . . اگر به فرح عظیم نائز شدید د دیگر کدورت چه معنی
 دارد ؟ و اگر فی الحقیقه به نای دنیا موقنید و به انبساط بساط
 مبسوطه حَقِّ مَطْلِعِ، ذکر قبض از برای چه . . . د ر ایامیکه بَحْرِ
 فرح د ر امواجست و اریاح سرور به ظهور مظهر ظهور د ر هبوب
 لایق نیست نفوس مُقْبِلُهُ مستقیمه ذکر احزان نمایند مگر د رمصیباتی
 که بحق راجع میشود . . . " مائده آسمانی ج ۸ ص ۷۳

اثرات غم و شادی بر بدن انسان

جمال مبارک د ر لوح طب بعنوان یکی از اصول اساسی
 بهداشت روانی دستور میفرمایند که از غم خوردن بپرهیزید که
 از آن بلای عظیم پدید می آید چنانکه میفرمایند :

" . . . اَنْ اَجْتَنِبَ اَلْهَمَّ وَاَلْغَمَّ بِهَمَّا یُحْدِثُ بِلَاءٌ اَذْهَمُّ . . . "

این موضوع بقدری د ر طب امروز اهمیت پیدا کرده است که رشته

مهمی در طب بعنوان طب سايکوسوماتیک یعنی طب روان تنی بوجود آمده است و در حال حاضر، نقش هیجان، اضطراب و غم و غصه در ایجاد و تشدید بیماریهای چون آسم، زخم معده و - اثنی عشر، بعضی بیماریهای زوماتیسمی، میگرن، دردهای مختلف و انواع بیماریهای پوستی و بیماریهای قلبی و عروقی به اثبات رسیده است.

مولای مهربان حضرت عبدالبهاء در تشریح خواص و اثرات سرور در حفظ صحت و عواقب حزن در ایجاد امراض میفرمایند:

"... تو باید همیشه مسرور باشی و با اهل انبساط و سرور محشور و با اخلاق رحمانی متخلق، زیرا سرور مدخلیت در حفظ صحت دارد و از کدورت تولید امراض شود... مانده آسمانی ج ۵ ص ۶۰ و نیز میفرمایند:

"کدورت بخود راه ندهید و محزون نگردید و تغییر مفرمائید زیرا جمیع اینها مضر است پس مسرور و خوش ایسام بگذرانید تا عبدالبهاء از سرور یاران، مسرور گردد و ضعف، قدری خفت یابد" (۱)

همچنین در ضمن نطقی میفرمایند:

"... هو الله جمیع بشر همیشه مورد دوا حساس هستند یکی احساس سرور دیگری احساس حزن، وقت سرور روح انسان در پرواز است جمیع قوای انسان قوت میگیرد و قوه فکریه زیاد میشود قوه ادراک شدید میگردد قوت عقل در جمیع مراتب ترقی مینماید و

احاطه به حقایق اشیا میکند اما وقتی که حزن بر انسان مستولی میشود مخمود میشود، جمیع قوا ضعیف میگردد، ادراک کم میشود، تفکر نمی ماند، تدقیق در حقایق اشیا نمی تواند خواص اشیا را کشف نمیکند، مثل مرده میشود... خطابات ج ۱ ص ۱۹۷

موجبات حصول نشاط

موجبات حصول فرح و نشاط را میتوان طی چند عنوان در آثار مبارکه زیارت نمود:

۱- توجه هرچه بیشتر به روحانیات و از یاد نبردن حیات آخری.

چنانچه حضرت عبدالبهاء میفرمایند:

"... از روح برای انسان حزن حاصل نمی شود و از عقل انسان، زحمت و ملالی رخ نمیدهد. یعنی قوای روحانیه سبب مشقت و کدورت انسان نمیگردد. اگر حزن از برای انسان حاصل شود، از مادیات است اگر از برای انسان خمودت و جمودت سی حاصل شود، از مادیات است... مقصود اینست که حزن انسان، کدورت انسان، از عالم مادیاتست یأس و نومیدی از نتایج عالم طبیعت است پس واضح و مشهود شد که حزن انسان و تکبوت انسان و نخوستن انسان و ذلت انسان، همه از مادیاتست اما از احساسات روحانیه هیچ ضروری و زیانی و غصه و غمی از برای انسان حاصل نمیشود. حال جمیع بشر معرض غم و غصه و ملال هستند انسانی نیست که از برای او حزن و آلم و مشقت و زحمت و تعب و

خسارت حاصل نشود چون این احزان از مادیات حاصل میشود چاره نیست جز اینکه رجوع به روحانیات بکنیم . وقتی که از مادیات نهایت تنگدلی حاصل گردد، انسان توجه به روحانیات میکند، زائل میشود. انسان وقتی در نهایت مشقت نهایت یأس میافتد، چون بخاطر آید خدای مهربان دارد مسرور میشود. اگر بد شدت فقر مادی افتد به احساسات روحانی آید، خود را از کنز ملکوت غنی ببند. وقتی که مریض میگردد فکر شفای الهی میکند، تَشْفِي صَدْرُ حَاصِل نماید وقتی که بمصائب عالم ناسوت گرفتار شود بفکر لاهوت تسلی یابد وقتی که در رحمت عالم طبیعت دلتنگ شود بفکر پرواز بعالم روح می افتد، مسرور میشود وقتی که حیات جسمانی مختل باشد، بفکر حیات ابدیه افتد، ممنون میشود . . . (۱)

و نیز میفرمایند: . . . آنچه مایه سرور دائمی است روحانیت است و اخلاق رحمانی که حزنی در پی ندارد اما سرور جسمانی در تحت هزار گونه تغییر و تبدیل است. . . (۲)

و نیز میفرمایند: " . . . هر چند اقوام مادّیه میکوشند زحمت میکشند باز در تعب و مشقتند و دائماً در غموم و هموم، زیرا سرور قلب انسان به محبت الله است بشارت روح انسان به معرفت الله است. اگر قلب انسان به خدا تعلق نیابد به چه چیز خوش گردد اگر امید بخدا نداشته باشد به چه چیز این حیات در ورزده دنیا دل بندد . . . " و در ضمن لوحی دیگر میفرمایند: " . . . پس

توجه را بگلی بجهانی دیگر کنید و تعلق بعالم دیگر یابد تا جمیع ایام فرح اندر فرح گذرد و تمام اوقات شادمانی جاودانی رخ دهد . اینست وصیت عبدالبهاء ع " (۴)

و نیز میفرمایند: چون انسان سرورش به فیوضات الهیه باشد در هیچ حالی محزون و مغموم نشود ولو حوادث دنیا بروفق مراد او نباشد و گردش روزگار، ترویج آمال و افکار او ننماید . . . چنین سروری دائمی است و چنین مقامی سبب حیات ابدی . . . سروری که از امور جسمانی است لایب او را انقلاب اخذ نماید چه که انسان روزی سالم است روز دیگر مریض. وقتی غنی است و وقت دیگر محتاج، زمانی راحت است و زمان دیگر مبتلای زحمت. همیشه فکرش مشوش است و هر آنی روحش بعدایی معذب و لکن چون قلبش متوجه بملکوت الله باشد، سرورش بنیوضات افق اعلی، از هر حزنی آزاد شود. دل به جهان الهی بندد. غمخوار عالم انسانی گردد و مروج آثار و اسرار رحمانی. " (۵)

(ادامه دارد)

-
- (۱) خطابات ج ۱ ص ۱۹۷
 (۲) مائده ج ۵ ص ۱۶۰
 (۳) خطابات ج ۱ ص ۱۹۵
 (۴) مکاتیب ج ۸ ص ۱۳۸
 (۵) سفرنامه ج ۲ ص ۲۳۲

دارالتبلیغ بین المللی

بیت العدل اعظم طی پیام موح نوروز ۱۳۱ بدیع د رباره دارالتبلیغ بین المللی میفرماید: "... مؤسسه نخیمة ایادی امرالله علی الخصوص حال که با تأسیس دارالتبلیغ بین المللی قوت بیشتری یافته مشوق و هادی و معین یاران الهی در جمیع مراتب فردی و محلی و ملی خواهند بود. تأسیس این مرکز عظیم سبب تحقق هدئی شد که تقریباً ده سال قبل بعالم اعلان گردید و تدابیری اتخاذ شد که اجراء دو وظیفه منصوصه صیانت و تبلیغ امرالله که از وظائف خاصه حضرات ایادی امرالله است به آینده انتقال یابد و بدین ترتیب روح محبت و هدایت و معاضدت حضرات ایادی امرالله از طریق دارالتبلیغ بین المللی که عهده دار نظارت و ارتباط خدمات حضرات مشاورین در سراسر عالمند بوسیله مشاورین و معاونین و مساعدین (۱) در هیکل جامعه بهائی نافذ گردد".

اعضای این دارالتبلیغ شامل کلیه حضرات ایادی امرالله و در حال حاضر هفت نفر از مشاورین قاره ای است.

(۱) توضیح درباره مشاورین و معاونین و مساعدین در جزوات بعدی خواهد آمد.

برخی از وظایف دارالتبلیغ بین المللی مختصراً بشرح ذیل است:

- قبول مسؤلیت کامل برای هماهنگ نمودن، ایجاد تحرک و تنظیم و ترتیب امور هیأت های مشاورین و عمل بعنوان رابط بین این هیأتها و معهد اعلی.
 - اطلاع کامل از وضعیت امر در سراسر جهان و دادن گزارش و ارائه پیشنهادات به معهد اعلی و توصیه نمودن به هیأت های مشاورین براساس این اطلاعات.
 - توجه تام به حفظ وصیانت امر الهی
 - آگاهی کامل بامکانات توسعه فعالیت های تبلیغی و زندگی اقتصادی، اجتماعی در داخل و خارج امر و آگاه نمودن معهد اعلی و هیأت های مشاورین باین امکانات و ارائه پیشنهادات عملی.
 - تعیین و پیش بینی نیاز به آثار امری، مهاجرین و مبلغین سیار و طرح نقشه های تبلیغی اعم از منطقه ای و جهانی برای تصویب معهد اعلی.
 - تنظیم وظایف لجنات مهاجرت قاره ای.
 - اداره مصارف صندوق توکیل بین المللی.
 - تنظیم بودجه سالانه که بوسیله صندوق بین المللی بهائی در اختیار هیأت های مشاورین قاره ای، جهت فعالیت های خاص تبلیغی و آثار امری و در صورت لزوم تبرع بصند و قهای قاره ای، قرار خواهد گرفت.
- (پیام معهد اعلی)

معرفی آثار مبارکه ترجمه‌های حضرت ولی امرالله

الف: کلمات مبارکه مکنونه

هنگامیکه حضرت ولی امرالله در انگلستان تشریف داشتند یعنی قبل از سال ۱۹۲۱ میلادی پیش نویس ترجمه را برای دکتر اسلمنت که در ارض اقدس تشریف داشتند فرستادند و وی خیلی تحت تأثیر قرار گرفتند این کتاب برای اولین بار در بیروت چاپ و خط حضرت عبدالبهاء نیز در صفحه اول آن منعکس گردید: "هو این کلمات مکنونه ولتالی مخزونه که از قلم حضرت بهاءالله صادر شد در بغداد در سنه ۱۲۷۴ هجری نازل شده، عبدالبهاء عباس"

در چاپ جدید این کتاب که در غرب انجام گرفته مقدمه‌های از جورج تاونزند نیز بچاپ رسیده.

ب- لوح مبارک ابن ذئب

(لوح مبارک ابن ذئب از آثار نازله از قلم اعلی در عکا و خطاب بشیخ محمد تقی ابن الذئب پسر شیخ باقر ذئب اصفهانی است که فتوای قتل سلطان الشهداء و محبوب الشهداء و غارت اموال آنان را داده) ترجمه این لوح مبارک در سال ۱۹۴۱ در آمریکا چاپ شده است.

ج- منتخبات آثار مبارکه حضرت بهاءالله

مندرجات این کتاب جمیعا از آثار مبارکه حضرت بهاءالله

استخراج و بانگلیسی ترجمه شده و در سال ۱۹۳۵ م و در ۳۴۶ صفحه در آمریکا بچاپ رسیده.

د- کتاب مستطاب ایقان

ترجمه این سفر جلیل که از آثار نازله حضرت بهاءالله میباشد در انگلستان بچاپ رسید.

ه- مجموعه‌ای از مناجاتهای حضرت اعلی - جمالبارک و حضرت عبدالبهاء.

و- لوح ملاح القدس

از آثار جمال قدم است و ترجمه آن در سال ۱۹۲۲ م بچاپ

رسید.

ز- صلواتهای سه گانه

که در آمریکا در چهارده صفحه بطبع رسیده است.

ح- الواح مبارکه حضرت عبدالبهاء از جمله لوح لاهه، لوح دکتر

فورل - الواح وصایا.

ط- تلخیص و طبقه بندی کتاب مستطاب اقدس

حضرت ولی امرالله این کار را شروع فرموده بودند و از جمله کارهایی است که توسط حضرتشان در نقشه ۶ ده ساله می بایست انجام شود و ادامه آن محول به بیت العدل اعظم گردید و در سال ۱۳۰ بدیع صد مین سال نزول کتاب مستطاب اقدس منتشر شده است.

حدود ۲۰ صفحه ترجمه کتاب مستطاب اقدس را حضرت سید
ولی امرالله انجام داده اند که نمونه‌ای برای مترجمین آینده
میشود.
س - ترجمه قسمتی از تاریخ نبیل :

حاوی وقایع مهمه امریه در دوره حضرت اعلی از ظهورش
احمد احسانی تا شهادت حضرت باب و سپس واقعه رمی شاه و
گرفتاری جمال قدم در سیاه چال و استخلاص از حبس و نفسی
بیفداد و در حاشیه بعضی از مطالبی را که درباره امر مبارک
در کتب مؤلفین غربی و شرقی آمده است، نقل فرموده اند. یک
مقدمه در اول کتاب راجع به اوضاع جاریه ایران و شرح اخلاق
و عادات جمیع طبقات قبل از ظهور مبارک و نیز یک خاتمه در
آخر کتاب، شامل اهمیت قیام جمال مبارک مند رجست. بیش از
۲۰ توفیق از حضرت اعلی به خط اصل و همچنین شجره نامه
حضرت باب و حضرت بهاءالله بچاپ رسیده است.

حضرت شوقی افندی به مارثاروت درباره اتمام این کتاب
چنین مرقوم فرمودند "پس از هشت ماه کار مداوم و مستمر، ترجمه
تاریخ ایام اولیه امر را تمام کرده آنرا برای محفل ملی آمریکا
فرستادم این کتاب دارای ۶۰۰ صفحه است و ۲۰۰ صفحه اضافی
حاوی یادداشت‌هایی است که در تابستان از کتب مختلفه جمع
کرده بودم آنقدر بدین کار علاقه و بستگی یافتم که مدتها مکاتبات

خود را تعطیل نمودم و اکنون آنقدر خسته و فرسوده ام که دیگر
توانایی نوشتن ندارم. این تاریخ مؤثق است و بیشتر در باره
حضرت باب است قسمتهایی از این کتاب را در محضر حضرت
بهاءالله خوانده اند و برخی صفحات را حضرت عبدالبهاء مطالعه
و تصحیح فرموده اند. گوهریکتا ص ۲۶۱

* * * *

راهنمای زندگی

انتخاب بهترین ها طبق موازین الهی

حضرت شوقی افندی با چشم ما بدین جهان نمی‌نگریستند.
اگر چنین بود چگونه ممکن میشد که هادی امم و منجی ملل گردند
البته مظهر ظهور از عوالم ملکوت خود، نزول اجلال فرمود و پیام
الهی را به آدمیان ابلاغ نمود و مرکز میثاق برکرسی تبیین آیات
و احکام الهی جالس گردید تا نوبت به حضرت ولی امرالله رسید.
آنحضرت مرد این قرن بودند، و در این زمان می‌زیستند و لسی
هرگز تعلقی به جهان فانی نیافتند اگر دست ملاحظه نمائید
کمالات و فضائل عالم انسانی، بتمامها در آن وجود مبارک -
مندرج بود. با جدت فکر و هوش و کائی الهی بدین علو و تشویش
و نگرانی و بدین تسویلات و تعصبات بشری، اوضاع جهان را با
موازین الهی مقایسه فرموده و بالسانی بس شیوا نقاط ضعف بشری
را کاملا بیان داشتند و هرگز مداهنه فرموده و خطایا را بعنوان

اینکه عمومی است بدیده قبول نمیگیرستند . خلاصه آنست که ما ممکن است بگوئیم که چون عادتى سُنَّت شده و یا خطائى عمومى گشته، لذا بر خطایى باسى نیست و یا آنکه چون قاعدین قوم و علما چنین نظریه‌ای را ابراز کرده‌اند، لذا باید آن نظریه درست باشد . زیرا متخصصین چنین گفته‌اند و به همین گفتارها صوت سَیْطَرَه آمیز آنان را قبول کنیم ولی ابدًا "چنین سهل است" انگاریهائی بساحت قدس آنحضرت راه نیافت . عالم سیاست ، اخلاق ، هنر ، موسیقی ، ادبیات ، طب و علوم اجتماعی را یک یک با دقت تمام ملاحظه و بسیاری از فواید آنان را با اساس تعلیم الهیه موازنه فرمودند و چه بسا که آنان را موافق نیافتند بلکه مخالف نصوص قاطعه الهیه دیدند . لذا آنچه در دنیای علوم و فنون و صنایع ظاهر میگردد ، حضرت غصن ممتاز را رویه چنان بود که اگر موافق آثار و تعالیم و اصول الهیه حضرت بهاء الله بود ، صواب و قابل قبول معرفی میفرمودند و هرچه مخالف با این اصول بود ، خطرناک میدانستند . گوهریگتا ص ۳۰۳

د رس هشتم عربی

این د رس تکرار و تمرین مطالب یادگرفته شده د روس گذشته بِالْأَخَصِّ د رس هفتم است ، لذا لازم است د وستان عزیز یکبار د یگر قواعد د رس هفتم را بدقت مطالعه و برسایر د روس نیز مروری داشته باشند .

تمرین این د رس شامل د وبخش است ابتدا تعدادی سؤالات بعنوان خود آزمائی مطرح میشود و سپس متونى اعراب شده از آثار مبارکه برای تمرین تشخیص علت اعراب کلمات و اعراب گذاری بعضی کلمات بدون اعراب ارائه می‌گردد .

۱- سؤالات خود آزمائی : همانطوریکه د ربالا متذکر شدیم قبل از پاسخ دادن به این سؤالات ابتدا قواعد د روس قبل را مرور نمائید و بعد از آن مبادرت به پاسخ سؤالات خود آزمائی فرمائید لازم است جواب سؤالات را کتبا بنویسید و سپس جوابها را با متون د روس مقایسه و اشکالاتتان را رفع کنید (توجه داشته باشید پاسخهای کتبی تأثیر بسزائی د ریاد آوری و یادگیری قواعد دارد)

۱- مواضع جرّاسم را نام ببرید و برای هر یک مثالی بزنید .

۲- مواضع نصب اسم را برشمارید .

۳- برای افعال د و مفعولی سه مثال بنویسید .

- ۴* انواع مفعول مطلق را نوشته برای هر یک مثالی بزنید .
- ۵* مفعولٌ لِأَجْلِهِ یا مفعولٌ لَهُ را تعریف کنید (بامثال)
- ۶ — ظرف زمان و ظرف مکان را تعریف کنید و برای هر یک مثالی بزنید .
- ۷ — منظور از ظرف متصرف چیست ؟
- ۸ — ۶ ظرف غیر متصرف را نوشته و مرقوم کنید چرا به آنها غیر متصرف میگویند ؟
- ۹ — اعراب قبل و بعد و اسماء جہات ششگانه اگر مضاف الیه آنها محذوف باشد چگونه است ؟
- ۱۰ — حال را تعریف کنید بامثال .
- ۱۱* — تمیز را تعریف کنید بامثال .
- ۱۲ — در جمله جَاءَ الْقَوْمُ إِلَّا خَالِدًا (مستثنی — مستثنی مِنْهُ — ادات استثناء) را مشخص کنید .
- ۱۳* — شرط منصوب شدن مستثنی بِالْإِچِیست ؟
- ۱۴ — در جمله لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اسم و خبر را نفی جنس را مشخص کنید .
- ۱۵ — حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ و عمل آنها را وقتی بر سر مبتدا و خبر می آیند بنویسید .
- ۱۶* — افعال مُقَابِرَه و حروف مُشَبَّهَةٌ بِلِیْس را بنویسید .
- ۱۷ — افعال ناقصه و عمل آنها را بر سر مبتدا و خبر بنویسید با مثال .

- ۱۸ — در چه مواردی واجب است که خبر بر مبتدا مُقَدَّم شود بامثال .
- ۱۹ — عوامل جازم یک فعل را بنویسید بامعنی .
- ۲۰ — عوامل ناصب فعل مضارع را بنویسید (ناصب بِالذَّات)
- ۲۱ — حروف ناصب بِأَنَّ مُقَدَّمَه را نام ببرید .
- ۲۲ — لِئَلَّا یعنی چه و اگر بر سر مضارع آید چه تأثیری بر اعراب فعل می گذارد . با مثال .
- ۲۳ — مذکر و مؤنث حقیقی و مجازی را تعریف کنید و برای هر یک مثالی بزنید .
- ۲۴ — علامتهای تأنیث را بنویسید بامثال .
- ۲۵ — اوزان اسم زمان و مکان را در ثلاثی مجرد و ثلاثی مزید بنویسید بامثال .
- ۲۶ — وزن اسم تفضیل را برای مذکر و مؤنث بامثال بنویسید .
- ۲۷ — برای ساختن اسم فاعل و اسم مفعول از ابواب ثلاثی مزید چکار باید کرد ؟ با مثال .
- ۲۸ — انواع مُعْتَل را بنویسید و برای هر یک مثالی بزنید .
- ۲۹ — انواع مَهْمُوز را بنویسید و برای هر یک مثالی بزنید .
- ۳۰ — یک نمونه لَفِيفِ مَقْرُون و یک نمونه لَفِيفِ مَفْرُوق مثال بزنید .
- ۳۱ — یَعِدُّ را بِالْم (جازه) مجزوم کنید .
- ۳۲ — فعل مجهول را تعریف کنید و فعل جمله تَصَرَ عَلَيَّ حَسَنًا را مجهول کنید و معنی جمله را بنویسید .

۳۳ - فعل لازم و متعدی را تعریف کنید و برای هر یک مثالی بزنید (یک جمله بنویسید)

۳۴ - ماضی، مضارع و مصدر ۹ باب ثلاثی مزید را بنویسید .
۳۵ - سه طریق متعدی کردن فعل لازم را نوشته برای هر مورد مثالی بزنید .

۳۶ - معنی ابواب تَفَعَّلُ - اِسْتَفْعَلَ - اِنْفَعَلَ - اِنْتَعَلَ را نوشته برای هر یک مثالی بزنید .

۲ - تمرین

يَا اَبْنَ الْوُجُوْدِ - اِعْمَلْ حُدُوْدِيْ حَبِيْبًا لِّيْ ثُمَّ اِنَّهُ نَفْسَكَ عَمَاتِهَوِيْ طَلِبًا لِرِضَائِيْ .

ای پسر وجود - عمل کن حدود مرا بخاطر دوستی من سپس نهی کن نفست را از آنچه هوس میکند بجهت کسب رضای من

الف - علت جزم فعل اِعْمَلْ را مشخص کنید .

ب - علت نَصَبِ حَبِيْبًا - طَلِبًا و - نَفْسِ را بنویسید .

ج - افعال را مشخص کنید و تعیین کنید که ماضی - مضارع - امر، مجرد یا مزید است و اگر مزید است از چه بابی است .

د - حروف جر را مشخص کنید .

يَا اَبْنَ الرُّوحِ - رُوْحُ الْقُدُسِ يَبْسُرُكَ يَا لَانَسِ كَيْفَ تَحْزَنُ وَ رُوْحُ -
بشارت میدهد ترا چگونه محزون میشوی

اَلْاَمْرُ يُوِيْدُكَ عَلٰى اَلْاَمْرِ كَيْفَ تَحْتَجِبُ وَ نُوْرُ الْوَجْهِ يَمْشِيْ قَدْ اَمَكَ

محتجب میمانی راه میرود جلوی تو

كَيْفَ تَضَلُّ

گمراه میشوی

الف - علت اعراب کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده بنویسید
ب - افعال را مشخص کنید و تعیین کنید که سالم است یا غیر سالم، ماضی، مضارع یا امر است، مجرد یا مزید است و اگر مزید است از چه بابی است، صیغه آن کدام است، ریشه آن چیست ؟

ج - علت اعراب کَيْفًا را بنویسید .

يَا اَبْنَ الْاِنْسَانِ - اُرْكُضْ فِيْ بَرِّ الْعَمَاءِ ثُمَّ اَسْرِعْ فِيْ مَيْدَانِ السَّمَاءِ

بدو عالم الهی شتاب کن

لَنْ تَجِدَ الرَّاحَةَ اِلَّا بِالْخُضُوْعِ لِاَمْرِنَا وَ التَّوَاضُعِ لَوَجْهِنَا .

هرگز نمی یابی بخاطر ما

الف - فراز فوق را بدقت معنی کنید .

ب - علت اعراب کلماتی را که زیر آنها خط کشیده شده مشخص کنید .

ج - اعراب محلی (نا) د رِ لَامِرِنَا و (نا) د رِ لَوَجْهِنَا رامعین کنید.

د - د رمورد افعال بترتیب تمرین قبل عمل کنید .

ذ - حروف جر و اسامی مضاف و مضاف الیه رامعین کنید .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ - كُنْ لِي خَاضِعًا لِأَكُونَ لَكَ مُتَوَاضِعًا وَكُنْ لِأَمْرِي

باش

نَاصِرًا لِتَكُونَ فِي الْمُلْكِ مَنصُورًا.

الف - فَرَازِ فَوْقِ رَا بَدَقْتِ مَعْنَى كُنَيْدِ .

ب - عِلْتِ اَعْرَابِ كَلِمَاتِي رَاكِهِ زِيْرَانَهَا خَطَّ كَشِيْدَةً شَدِيْدَةً مَعْنَى كُنَيْدِ .

ج - بْتَرْتِيْبِ تَمْرِيْنِيْهَايِ قَبْلِ دِ رَمُوْرِدِ اَفْعَالِ عَمَلِ كُنَيْدِ .

يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ - نَكِّرْ فِي امْرُكٍ وَتَدَبَّرْ فِي فَعْلِكَ أَتُحِبُّ أَنْ تَمُوتَ

نكرکن اندیشه کن آياد وست میداری بمیري

عَلَى الْفِرَاشِ أَوْ تَسْتَشْهِدُ فِي سَبِيلِي عَلَى الشَّرَابِ وَتَكُونُ مَطْلَعٌ

بستر یا شهید شوی باشی مطلع

امْرِي وَمُظْهِرِ نُورِي فِي اَعْلَى الْفِرْدِ وَسَ فَاَنْصِفْ يَا عَبْدُ .

مظهر پس انصاف بدهای بنده

الف - اعراب فَرَازِ فَوْقِ رَا تَكْمِيْلِ كُنَيْدِ وَمَعْنَى اَنْرَا بِنُوَيْسِيْدِ (عِلْتِ

اعراب را بدقت معین کنید .)

موارد * دارد در امتحان نخواهد آمد .

لغات و اصطلاحات جزوه ۳۸

انكسار: شکسته شدن ، منحرف شدن ، عاجز شدن ، مغلوب و

منهزم شدن .

أَيُّ رَبِّ أَنَا الْمَسْكِينُ وَعِنْدَكَ بَحْرُ الْغِنَاءِ وَأَنَا الْجَاهِلُ وَعِنْدَكَ كُنُوزُ الْعِلْمِ وَالْعِرْفَانِ وَأَنَا الْبَعِيدُ وَإِنَّكَ أَنْتَ الْمُقْتَدِرُ وَالْمُتَعَالِي

الْقَرِيبُ : خدا یا فقیرم و حال آنکه د ربای ثروت و بی نیازی د ر نزد

تو است . نادانم د رحالی که گنجهای دانش و معرفت د ر پیش

تو است ، د ور هستم و حال آنکه تو توانا و بلند پایه و نزد پیسگ

میباشی .

اتقان : مُحْكَمِي ، مَتَانَتِ ، مُحْكَمِ كُرْدِنِ

أُولُو الْعِزِّمِ : صاحبان عزم و اراده ، دارندگان ثبات وجدیت و

استقامت ، اصطلاحاً پیامبران مستقل که صاحب

شریعت و کتاب جدید هستند مانند حضرت محمد

و حضرت مسیح و . . .

انفكاك : از هم جدا شدن - باز شدن

انضمام : پیوستن چیزی به چیز دیگر - ضمیمه شدن - پیوستگی

فراهم آمدن (اسم ناعل و اسم مفعول آن : مُنْفَمٌ)

أَنْ أَجْتَنِبَ إِلَهُمُ وَاللَّغْمَ بِهِمَا يَحْدُثُ بَلَاءٌ أَدْهَمُ . . . : از غم و غصه

بپرهیزید که از آن دو ، بلای شدید حاصل میشود .

إِثْنِي عَشَرَ : دوازده ، د ر اینجا مقصود نام نخستین قسمت روده

کوچک انسان است که دوازده نام دارد.

أَمَّ: عام تر، عمومی تر، گروه کثیر، مطلبی که شامل تمام جوانب از آن نوع بشود (برخلافِ أَخَصَّ که بمعنی خاص تر، خصوصی تر و شامل جنبه مخصوص تری از یک کل میشود) **أَوَّلَمَ يَكْفِهِمْ . . .**: آیا ایشان را کفایت نمیکند که ما بر تو کتاب را نازل فرمودیم تا بر آنها خوانده شود؟

إِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ . . .: اگر بودید شما در شک و شبهه در آنچه ما نازل فرمودیم بر عبد خود محمد، پس بیارید سوره‌ای بمثل این سوره، مَنزَلَهُ و بخوانید شهدای خود را یعنی علمای خود را تا امانت نمایند شما را در انزال سوره‌ای اگر هستید راست گوینان. * ایقان ص ۱۵۸
الم (الف، لام، میم) **ذَلِكَ الْكِتَابُ . . .**: "یا محمد، این کتاب منزل از سما! آخذیه نیست ریبی و شکی در آن، هدایتی است برای پرهیزکاران" ایقان ص ۱۵۶

بَعَيْنِهِ: بمانند او، درست مثل آن

بِذَاتِهِ لِذَاتِهِ: (بذات او برای ذات او) بخودی خود، به تنهایی.

تَأَمَّل: دقت کردن، اندیشه کردن، مجدد و مکرر ملاحظه و نظر نمودن و تحقیق کردن (در فارسی بمعنی درنگ کردن و صبر نمودن نیز گفته میشود)

تَغْيِيرٌ: از حال خود برگشتن و حالت دیگر بخود گرفتن، تبدیل شدن و تغییر کردن، (در فارسی: باتندی و خشم سخن گفتن، خشم کردن، تند شدن)

تَشَقَّى صَدْرٌ: آسودگی قلب و خیال، دل آرامی

تَسْوِيَاتٍ: وسوسه‌ها، فریب‌ها

تَجْرِيدٌ: تنهایی، انقطاع، برکناری از صفات ممکنات، مقام ذات که هیچ این صفات را در آن راهی نیست و منزّه از صفات متصوّره بشری است.

ثَمِينَةٌ: نفیس — گران قیمت

حُجَجٌ: دلائل و براهین (مفرد: حُجَّةٌ)

حُرَّاسٌ: حارسان، نگهبانان، حفظ کنندگان، حامیان (مفرد: حارس)

خَالِصًا "لِوَجْهِ اللَّهِ وَ طَلَبًا لِرِضَائِهِ": مُخْلِصًا و صادقانه بخاطر رضای خدا و درخواست رضامندی او

خَاطِي: خطا کار — گناهکار — جمع خطا — (مؤنث: خَاطِئَةٌ جمع: خَوَاطِي)

خَلَّل: وَهَّن و سستی و نساد — رخنه — تباهی در کار — پراکندگی رأی

تَقْرِيرٌ: محقق ساختن — تثبیت نمودن — بیان کردن

ذَكَاءٌ: هوش بسیار، ذکاوت، سرعت فهم و درک، تیزهوشی

راپورت (Report-Rapport): گزارش، بیان خبر، روایت، سخن چینی
 تزیین: محکم، استوار، ثابت، متین، باوقار، صاحب رأی اصیل
 رزانت: سنگینی، وقار و متانت، استواری
 راکب: سواری، سوار بر حیوان یا گاوی، سوار بر وسایل نقلیه موتوری
 رَبِّ آرِنِي . . . أَنْظُرَ تِرَانِي: حضرت موسی فرمود خداوند ا
 خودت را به من نشان بده. از خداوند پاسخ: "لَنْ تَرَانِي"
 (هرگز مرا نخواهی دید) شنید. و حال آنکه مقام این
 ظهور بقدری رفیع و الطاف الهی به حدی شامل بندگان
 است که اگر کسی از روی صداقت، طالب دیدار باشد
 پاسخ "أَنْظُرَ تِرَانِي" (نگاه کن تا مرا ببینی) خواهد شنید
 (به عرفان واقعی در حد بشری و قرب معنوی واصل خواهد
 شد.) ولی از جهت اصول اعتقادی، پاسخ لن ترانی
 مفهومیست که رؤیت ذات حق میسر نیست "السَّبِيلُ
 مَسْدُودٌ . . ." و جواب انظر ترانی باین معنی است که
 بجای حق، مظهر اسماء و صفاتش را میتوان دید که به
 "لِقَاءِ أَوْ لِقَاءِ اللَّهِ" حاصل میشود. بلااستفاده از ص ۱۱۰ ایقان
 سَنِيَّةَ اللَّهِ: بفرموده مبارک حضرت ولی امرالله در توقیع ۱۱۱
 "سَنِيَّةَ أَحْكَامِ اسْت" و "اشاره باستقرار دیوان عدل الهی"
 شجره نامه: فهرست ایامی نیاکان کسی که به ترتیب نوشته شده

باشد، نَسَبِ نامه

صَدِيد: چرک، چرک زخم، ماء صَدِيد: آب آلوده و ناپاک
 صَهْبُون: نام جَبَلی است در فلسطین، در مقامی اورشلیم است و
 در مقامی نام قسمتی از اورشلیم یا تنه‌ای در قسمت
 جنوبی اورشلیم که برآن قلعه مستحکمی بود و داود آنرا
 فتح کرد و سلیمان معبد را برآن بنا نمود.

ضیا: نور، روشنایی

طَلَايَه: این کلمه فارسی و بمعنای مقدمه، لشکر، پیشروان، جلو
 داران و مجازاً بمعنای آثار و نتایج اولیه میباشد.
 شاید این کلمه از طلايع گرفته شده باشد (که جمع طَلِيحَه
 است) عقد: (د ر اینجا) دهه، ده سال— اعداد ۱۰—۲۰—۳۰—۴۰—۵۰—۶۰—۷۰—۸۰—۹۰

عَشْرَت: اولاد و احفاد، نسل، خانواده، عشیره، فرزندان (در
 حدیث اسلامی از حضرت رسول اکرم (ص) نقل شده: اِنِّي
 تَارِكٌ فَيْكُمْ اَلثَّقَلَيْنِ، كِتَابِ اللَّهِ وَعِمْرَتِي: من دو چیز برای شما
 بجا میگذارم کتاب خدا را و فرزندانم را) ص ۱۵۵ ایقان
 نَائِض: منتشر، جاری، فرو ریزنده، سرشار، زیاد، فیض رساننده
 قَبْض: (بگناهی: غم و اندوه و تلخی اوقات)، گرفتن، جمع کردن،

ملکیت

قُلْ اِنَّ دَلِيْلَهُ ظَهْرُهُ وَحَجَّتَهُ نَفْسُهُ وَوَجُوْدُهُ اِثْبَاتُهُ وَبُرْهَانُهُ قِيَامُهُ
 بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ: بگو همانا دلیل او عبارت از ظهور اوست

و حجت او خود اوست و وجود او اثبات اوست و برهان او همان بها خاستنش بین زمین و آسمانها است.
 مَدَّ خَلِیَّتٍ : دخالت — تأثیر
 مَخْمُودٌ : مجازاً* : انسرده و پژمرده — دلسرد و بی شوق — از شعله افتاده — ساکن — ساکت — مرده
 مُنْخَمٌ و مَفْخَمٌ : شریف — عظیم — بزرگوار — شخص عالیقدر — بزرگ داشته شده .

مَدَّ اِرْجٍ : (د ر فارسی بمعنای درجات — پایه ها) — راهها — جاهای رفتن و عبور — مراحل — مذاهب
 مُنْذَمِجٌ : مُنْضَمٌ به چیزی شده و محکمتر شده — پیوسته — داخل و درون و جز چیز دیگری شده
 مَنْ هُوَ بَعْدَهُ : کسیکه بعد از او میباشد
 مَنَهَمِكٌ : کوشا و مشغول بامیل و رغبت — سخت مشغول و سرگرم بکاری (مثل منهک در شهوات یعنی مشغول و کوشا در برآوردن خواهشهای نفسانی)
 مَدَّاهِنَةٌ : خدعه کردن — فریب دادن — دورویی کردن — چرب زبانی — چاپلوسی
 مَوْهُوبٌ : بخشیده شده — عطا شده — بلاعوض بخشیده شده ، مخصوص .
 مُتَقَنَّ : محکم — متین — استوار

مَبْسُوطٌ : گسترده ، بسط یافته ، پخش شده ، شرح و بسط داده شده ، خوشحال و خوب و مسرور
 نَحُوسَتٌ : مورد شومی و نَخُسی واقع شدن — شومی و نامبارکی — نافرجام و نامبارک گردیدن
 وَالْأُ : بالا — عالی مقام — برتر — بلند مرتبه
 هَبُوبٌ : وزش (باد) — وزیدن

اعلام جزوه* ۳۸

آسَم (Asthma) : یک بیماری د ستگاه تنفسی است که از حساسیت فزاینده* نای و برونشها نسبت به محرک های مختلف (اغلب، آلرژیها) ناشی میشود و با تنگ شدن سرتاسری مسیر تنفس ظاهر میگردد علائم ظاهری آن سرفه ، تنگ نفس و تنفس صدادار میباشد .
 با استفاده از فرهنگ لغات طبی
 داود : یکی از انبیای بنی اسرائیل و فرزند یَسَّی میباشد . در دوران جوانی شبانی میکرد ولی بواسطه شجاعت و دانائی و آواز خوشی که داشت شهرت یافت و در نزد شأوول پادشاه وقت تقرب پیدا کرد و دختر او را به زنی گرفت و وارث سلطنت شد .
 بیت المقدس (اورشلیم) را پایتخت خود ساخت و بنی اسرائیل را به سعادت و عزت عظیمه رسانید و خود در حدود ۹۷۰ ق . م . در اورشلیم درگذشت . کتاب مزامیر از صَحْفِ عَهْدِ عَتِیقِ مَنَسُوبٌ به اوست .
 فرهنگ لغات و اعلام

دلایل سبعة: از آثار مبارکه حضرت نقطه اولی در جواب سوال یکی از علماء می باشد و در جبل ماکو نازل شده است که طی آن، حقایق مظهر امر را با ذکر هفت دلیل (که شش دلیل آن در باره حجیت آیات کتاب است) اثبات فرموده اند.

با استفاده از قاموس ایقان ص ۲۰۶ و مقاله دلیل و

برهان در عصر رسولی

دلیل تقریر: "دلیل تقریر اکبر دلیلی است که علمای اعلام در تفریق بین الحق والباطل بآن تمسک جستند و در کتب و مصنفات خود بآن مبسوطاً و مفصلاً استدلال فرموده اند و تقریر ایمن دلیل بدین گونه است که:

اگر نفسی مدعی مقام شاریت شود و شریعتی تشریح نماید و آنرا بخد اوند تبارک و تعالی نسبت دهد و آن شریعت نانسد گردد و در عالم باقی ماند، این نفوذ و بقا برهان حقیقت آن باشد چنانکه بالعکس، زهوق و عدم نفوذ، دلالت بر بطلان دعوت زائله غیر باقیه نماید. . . . حق جلّ جلاله در جمیع کتب مقدسه سماویّه به این برهان عظیم احتجاج فرموده و بقای حق و زهوق باطل را آیت کبری و دلیل اعظم شمرده است.

نقل از ص ۴۸ مقاله اولی از کتاب فرائد

روماتیسم (Rheumatism): بیماری در د مفاصل که استخوانها و اعصاب و نسوج و عضلات اطراف مفصل (خصوصاً مفاصل دست و

با) درد میگیرد. باختصار از فرهنگ خرد

سایکوسوماتیک (psychosomatic) شاخه‌ای از علم پزشکی که اجزاء تشکیل دهنده تن و روان آدمی و ارتباط داخلی بین آنها را بعنوان مجموعه‌ای واحد تحت مطالعه قرار میدهد.

فرهنگ لغات طبی

فرائد: از مهمترین تألیفات جناب ابوالفضائل است که در پاسخ شبهات میرزا عبد السلام شیخ الاسلام تفسیر (شامل مقاله اولی، مقاله ثانیه و خاتمه) مرقوم داشته‌اند و از استدلالیه‌های مشهور است. (شرح مختصری در باره "ابوالفضائل" در قسمت اعلام جزوه ۲۱ معارف عمومی درج شده است).

کتاب مؤسسه ایادی امرالله: مجموعه‌ای است در ۸۲۲ صفحه شامل الواح و آثار مبارکه و دستخط‌های معبد اعلی در باره این مؤسسه و شرح احوال هریک از ایادی امرالله اکثراً مزین به عکسی از ایشان. این مجموعه توسط جناب عبد العلی علانی تهیه گردیده است.

کنفرانس‌های بین القارات: اولین سری این کنفرانسها در چهار نقطه (کامپالا - شیکاگو - استکهلم - نیود هلی) منعقد و فرموده مبارک از تمهیدات اولیه جهت افتتاح جهاد کبیر اکبر محسوب گردید.

دومین سری از این کنفرانسها در پنج نقطه (کامپالا - شیکاگو،

فرانکفورت - جا کارتا - سیدنی) در پیام اکتبر ۱۹۵۷ مقرر گردیده بود و "مقارن با وصول جهاد کبیر اکبر به نیمه راه خود" در ۱۹۵۸ انعقاد یافت و فرد فرد ایادی امرالله موظف به شرکت در این کنفرانسها طبق برنامه تعیین شده از طرف حضرت ولی امرالله بودند. (استخراج از توقیعات مبارکه ۱۱۴-۱۰۹)

کانونشن بین المللی: اولین کانونشن بین المللی جامعه بهائی که در رضوان سال ۱۹۶۳ در جوار مقام اعلی تشکیل و به تاسیس اولین بیت عدل اعظم الهی ذکرش مخلد و جریان کامل آن در تاریخ امر ثبت گردید به آهنگ بدیع (شماره مخصوص این موضوع در سال ۱۸) مراجعه شود.

محافل روحانی ناحیه‌ای: بعضی از کشورها قبل از وصول به مرحله‌ای که بتوانند مستقلاً دارای محفل روحانی ملی گردند، با یک یا چند کشور همجوار خود "محفل روحانی ناحیه‌ای" داشتند.

میگرن (Migrain): نوعی سردرد عروقی و عود کننده است که از لحاظ شدت، دفعات تکرار و طول مدت در سرد افراد مبتلا متفاوت است. معمولاً در یک طرف سر بوده و اغلب با حالت تهوع و استفراغ همراه میگردد. ممکن است اختلالات حسی، حرکتی یا خلقی، مقدمه این سردرد باشد. گویند هشت درصد مردم به این

بیماری که اکثراً ارثی است مبتلا میباشند. (با استفاده از فرهنگ لغات طبی)

مؤسسه ملی مطبوعات امری

۱۳۱ بدیع